



## Consequences of Russia's war against Ukraine on Syria

Hadi Zoka Dadgostar <sup>1</sup>  
Farhad Hamzeh <sup>2</sup>

### Abstract

Important tensions and wars create serious effects and changes in the international order, and Russia's war against Ukraine is no exception for reasons such as the involvement of a great power, the rivalry between Russia and the West, and the historical position of Ukraine. Russia's military action against Ukraine caused consequences in this country, which is greatly affected by the agreement in terms of security, economy and society, however, the consequences of this crisis are not limited to the internal dimension, but have regional and extra-regional dimensions. In this research, an attempt will be made to analyze the impact of the Ukraine crisis on Syria with a descriptive-analytical approach. The findings show that the crisis in Ukraine does not have an effect on Syria, and the issue of Syrian reconstruction, the issue of refugees, Russia's attention from Syria to Ukraine, the increase of distrust in the West and the strengthening of the axis of resistance can be expressed.

**Keywords:** Russia, Ukraine, Syria, crisis, Eastern Europe, West Asia

---

<sup>1</sup> Ph.D. student of International Relations, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran.  
**H.zokadadgostar@yahoo.com**

<sup>2</sup> Assistant Professor Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.  
**Geofarhad77@yahoo.com**



## پیامدهای جنگ روسیه علیه اوکراین

### بر سوریه

هادی ذکاء دادگستر<sup>۱</sup>

فرهاد حمزه<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

#### چکیده

تنش‌ها و جنگ‌های مهم تأثیرات و تغییرات جدی در نظم بین‌المللی ایجاد می‌کنند و جنگ روسیه علیه اوکراین به دلایلی چون درگیر بودن قدرت بزرگ، رقابت روسیه و غرب و جایگاه تاریخی اوکراین از این قاعده مستثنا نیست. اقدام نظامی روسیه علیه اوکراین موجب بروز پیامدهایی در این کشور شد که آن را از جهت امنیتی، اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر زیادی قرارداد با این حال پیامد این بحران محدود به بعد داخلی نبوده و بعد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته است. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تجزیه تحلیل تأثیر بحران اوکراین بر سوریه پرداخته گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بحران اوکراین بر سوریه بی تأثیر نیست و مسئله بازسازی سوریه، مسئله پناهندگان، توجه روسیه از سوریه به اوکراین، افزایش بی اعتمادی به غرب و تقویت محور مقاومت قابل بیان است.

#### واژگان کلیدی: روسیه، اوکراین، سوریه، بحران، اروپای شرقی، غرب آسیا

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

H.zokadadgostar@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

دانشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره هفتم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۷۵-۱۰۰

## مقدمه

با حمله روسیه به اوکراین شاهد بروز یک تنش ژئوپلیتیکی هستیم با این حال با در نظر گرفتن مؤلفه‌های ساختاری و بین‌المللی این بحران به سبب رقابت روسیه با غرب و تلاش برای حمایت از کشور اوکراین برای مقاومت در برابر روسیه می‌توان گفت که گسترش بحران ناشی از طولانی شدن جنگ همراه با پیامدهای فرامنطقه‌ای خواهد بود. با توجه به اینکه سیاست نفوذ در منطقه پیرامونی، یک اصل تاریخی در رفتار سیاست خارجی روسیه است و اوکراین دارای اهمیت استراتژیک در منطقه حائل روسیه است، بنابراین مسکو کوشیده است تا با اعمال نفوذ در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی اوکراین مانع نزدیکی با غرب شود. با این حال بحران اوکراین اگرچه یک بحران در شرق اروپا محسوب می‌شود ولی به سبب نقشی که روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ در آن ایفا می‌کند باعث می‌شود که دیگر نقاط جهان که قبلاً یا در حال حاضر روسیه به ایفای نقش پرداخته است تحت تأثیر قرار بگیرد.

توجه مسکو به خارج نزدیک و رفع تهدید در محیط امنیتی خود که با اعلام اوکراین برای پیوستن به ناتو موجب برانگیختن حساسیت و واکنش تهاجمی علیه اوکراین شد باعث می‌شود که مناطقی از جمله غرب آسیا چون سوریه که در آن روسیه نیز دخالت می‌کند به نحوی متأثر گردد. سوریه یکی از مهم‌ترین کشورهای غرب آسیا است که در سال‌های اخیر کانون توجه و منازعات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است از همین رو، پرسش پژوهش حاضر این است جنگ روسیه علیه اوکراین چه تأثیری بر سوریه دارد؟ فرضیه مقاله این است بحران اوکراین منجر به توجه جدی غرب و کشورهای عضو پیمان شورای آتلانتیک شمالی (ناتو) به این بحران شده است بنابراین از نظر تمرکز امنیتی کاهش تمرکز روسیه و تقویت نقش ایران، کاهش تمرکز از بحران اجتماعی و سازندگی سوریه به مسئله اوکراین، افزایش بی‌اعتمادی به آمریکا و در نهایت

تغییر قدرت به نفع محور مقاومت در غرب آسیا و افزایش سازش کشورهای عربی با سوریه و ایران شود.

## چارچوب نظری

یکی دیگر از دلایل وجود مجموعه‌های امنیتی استفاده از الگوهای جنگ است، یعنی جنگ در یک مجموعه امنیتی اثرات بسیار کمی در مجموعه امنیتی دیگری دارد. عامل اساسی تعیین‌کننده در موجودیت مجموعه حضور یا احساسی تهدید و ترس متقابل بین دو یا چند دولت مقتدر است. سطح بالایی از اعتماد نیز می‌تواند مبنای ارتباط باشد. وابستگی متقابل امنیتی می‌تواند مثبت یا منفی و یا هر دو باشد. متقابل بودن در ارتباط امنیتی بین دو دولت محلی قدرتمند مطرح می‌شود. معمولاً متقابل بودن گویای وجود مرزی میان مجموعه‌ها در سطوح پایین و بالا است. یک مجموعه سطح پایین متشکل از دولت‌های محلی است که قدرتشان چندان گسترده نیست و حتی در صورت گسترده بودن از دامنه کشورهای هم‌جوار فراتر نمی‌رود، محدودیت مجموعه‌های سطح قدرت عامل مهمی در موجودیت روش‌های خودبسنده امنیتی محلی بین دول همسایه است. بالا شامل قدرت‌های بزرگ که قدرتشان در بسیاری از نقاط جهان تسری می‌یابد و یا کشورهای بزرگی که وسعت زیاد همراه با قدرت باعث شده به چندین منطقه محلی مرتبط باشند. این مجموعه‌های سطح بالا موضوع تحلیل سیستمی هستند، بوزان اعتقاد دارد که تکنیک مجموعه‌های سطح بالا و پایین زمانی اهمیت پیدا می‌کند که همه سطوح تحلیل امنیتی (داخلی - منطقه‌ای - فرامنطقه‌ای و جهانی) با یکدیگر ترکیب شوند. با توجه به قدرت زیاد قدرت بین سطوح بالا و پایین انتظار می‌رود که مداخله نابرابر از سوی سطوح بالا در امور سطح پایین از ویژگی‌های سیستم باشد (بوزان، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای هم که باز مفهومی برگرفته از کتاب بوزان است ولی کامل‌ترین بحث درباره آن را می‌توان در کتاب مناطق و قدرت‌های بوزان و ویور دید.

اهمیت این مکتب از آن جهت است که بیان می‌دارد که واحدها با روندها و پوشش‌های امنیتی‌شان با یکدیگر گره‌خورده‌اند به طوری که مشکلات امنیتی آن‌ها را نمی‌توان جدای از هم به شکل معقولی به تحلیل گذاشت.

بوزان چهار سطح تجزیه و تحلیل را از یکدیگر باز شناسایی می‌نماید که همگی باهم آنچه را که او شکل‌بندی امنیت می‌نامد را تشکیل خواهند داد. این چهار سطح عبارت‌اند از:

۱ - سطح داخلی مربوط به دولت‌هایی است که در درون منطقه وجود دارند. از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها که آسیب‌پذیری‌های آن‌ها را سبب می‌گردد

۲ - روابط دولت با دولت که پدیدآورنده منطقه به گونه‌ای که هست، می‌باشد

۳ - تعاملات منطقه با مناطق همسایه

۴ - نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه از نظر وی توازن بین سطوح مذکور از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت می‌باشد (کیائی آسرائی، ۱۳۹۸: ۶۳-۶۲).

اما در این میان سطح منطقه‌ای همیشه مهم خواهند بود. با توجه به این موضوع می‌باشد که وی منطقه و تبیین آن را در دستور کار نظریه‌پردازی خود قرار داده است. باری بوزان تئوری مجموعه امنیتی خود را در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس و چارچوب نوین تجزیه و تحلیل امنیت مطرح نمود. وی مجموعه امنیتی را به این صورت توضیح می‌دهد که اگر تمامی نگرانی‌های امنیتی فهرست شود و نقشه‌ای ترسیم گردد که در آن هر موضوع امنیتی با موضوع یا موضوعات مرتبط با آن و بازیگرانی که به طور مثبت و منفی در آن تهدید درگیر می‌باشند، مشخص گردد، نتیجه آن تصویری است که چگالی متفاوتی از تهدیدات و روابط مبتنی بر تهدیدات امنیتی را نشان خواهد داد. برخی از خوشه‌های متشکل از گره‌های شدید به هم مرتبط می‌باشند، در برخی از نواحی، تعداد کمی از ارتباط و خطوط امنیتی از آن‌ها عبور می‌نماید (پیشین).

باید گفت پس از جنگ سرد، تحصیل قدرت و منافع بیشتر توسط کشورها و قدرت‌ها بستگی به چگونگی اتخاذ سیاست‌های مناسب ژئوپلیتیک از سوی آن‌ها در جهت دسترسی به امتیازات مکان‌ها و مناطق مهم دارد و کسب منافع و تحصیل قدرت منوط به دسترسی به یکسری از امتیازات جغرافیایی است که در نقاط و مکان‌های خاصی از جغرافیای سیاسی جهان قرار گرفته است. در این چارچوب این مکان‌ها و مناطق یکی از دلایل فلسفی ظهور رفتار سیاسی در فضای روابط بین‌الملل را شکل می‌دهند و هرچه زمان به جلوتر حرکت می‌کند تعریف منافع ملی، قدرت، امنیت، نفوذ، استراتژی و... حکومت‌ها می‌بایستی در تطابق با ویژگی‌ها و شاخص‌های این مکان‌ها و مناطق انجام پذیرد. چراکه بدون در نظر گرفتن شاخص‌های مناطق مهم کره زمین، هزینه تحقق منافع ملی افزایش یافته و یا حتی غیرممکن می‌گردد (لشگری تفرشی، ۱۳۹۴: ۶۴-۶۳). در همین راستا باید گفت اهمیت ژئواستراتژیک به اهمیت یک بحران بین‌المللی به دلیل دوری یا نزدیکی به مراکز قدرت، منابع طبیعی و سایر مسائل مثل حضور در یک منطقه حساس برای ابرقدرت‌ها یا قدرت‌های بزرگ مثل خاورمیانه برمی‌گردد. این اهمیت در طول زمان کم‌وزیاد می‌شود. در حقیقت اهمیت ژئواستراتژیک در اثر دیگر شاخص‌های شدت چون تعداد بازیگران، مداخله قدرت‌های بزرگ، عدم تجانس، موضوعات و خشونت تغییر می‌کند (همان: ۱۹۳-۱۹۲).

. از چالش‌های پیش رو در وضعیتی برای یک یا چندین کشور در جهت منافع خود یا در تضعیف منافع کشورهای رقیب این است که کشورها در قبال رقبای خود یا محدودسازی قدرت مانور و عمل آن‌ها از ابزارها و روش‌های مختلف روبرو شوند. در این راستا یکی از این عوامل مهم جغرافیا و عناصر جغرافیایی است. به عبارت دیگر چالش ژئوپلیتیکی در یک منطقه می‌تواند به ایجاد انفعال در طرف مقابل به منظور تغییر رفتار آن در منطقه دیگر منجر شود (ر.ک حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۴). در پیوند بین دو بحران سوریه و

اوکراین با توجه به وجود عنصر قدرت بزرگ و درگیر بودن آن در این دو بحران می‌توان رابطه‌ای بین دو مسئله را یافت.

### تنش روسیه و اوکراین از ۱۹۹۱ - ۲۰۲۲

به‌طور کلی سیر تحول روابط اوکراین و روسیه از زمان استقلال اوکراین در ۱۹۹۱ تا جنگ ۲۰۲۲ بدین شرح است:

#### • اوکراین مستقل شد (دسامبر ۱۹۹۱):

اندکی پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین به استقلال رأی داد. اوکراین دومین کشور بزرگ اروپا از نظر وسعت است و جمعیت قابل توجهی از قومیت روسی دارد.

#### • تفاهم‌نامه بوداپست امضا شد (دسامبر ۱۹۹۴):

این سند پس از توافق اوکراین برای انتقال تمام سلاح‌های هسته‌ای از جنگ سرد به فدراسیون روسیه امضا شد و اوکراین را به یک قدرت غیرهسته‌ای تبدیل کرد. پیش‌ازین، اوکراین سومین ذخایر بزرگ هسته‌ای جهان را در اختیار داشت. علاوه بر اوکراین، تفاهم‌نامه بوداپست توسط ایالات متحده، بریتانیا و روسیه نیز امضا شد. همه امضاکنندگان متعهد به احترام به حاکمیت اوکراین و حقوق آن در قلمرو آن هستند

#### • انقلاب نارنجی (نوامبر - دسامبر ۲۰۰۴):

نتایج انتخابات ریاست جمهوری بین ویکتور یوشچنکو، نامزد غرب‌گرا و ویکتور یانوکوویچ که مورد حمایت روسیه بود، جنجال بزرگی را ایجاد کرد. یوشچنکو قبل از انتخابات به طرز مرموزی مسموم شد اما توانست بهبود یابد. پیروزی به نفع یانوکوویچ اعلام شد، اما انتخابات به‌طور گسترده تقلبی تلقی شد. اوکراینی‌ها با پوشیدن رنگ نارنجی که رنگ کمپین یوشچنکو بود به خیابان می‌آیند. در ماه

دسامبر، معترضان توانستند رأی‌گیری مجدد را وادار کنند که منجر به پیروزی یوشچنکو شد. روسیه با عضویت اوکراین در ناتو مبارزه کرد (آوریل ۲۰۰۸): در اوایل آوریل ۲۰۰۸، نشست سران ناتو با بحث‌های شدید درباره گسترش برنامه اقدام عضویت (MAP) به اوکراین آغاز شد. برای عضویت در ناتو، یک اتحاد نظامی بین ۲۸ کشور اروپایی و دو کشور آمریکای شمالی که به حفظ صلح و امنیت در منطقه اقیانوس اطلس شمالی اختصاص دارد، کشورها ابتدا باید یک نقشه داشته باشند. پوتین مخالفت خود با عضویت اوکراین را به رهبران ناتو می‌شناسد و در یک مقطع به رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش می‌گوید که اوکراین «حتی یک دولت ملت واقعی نیست». ناتو به اوکراین یک نقشه پیشنهادی نمی‌دهد.

• **اعتراضات یورو میدان (نوامبر ۲۰۱۳ تا فوریه ۲۰۱۴):**

اعتراضات باعث تغییر ناگهانی در دولت شد رئیس‌جمهور یانوکوویچ که مجدداً نامزد ریاست جمهوری شد و در سال ۲۰۱۰ پیروز شد، پس از قول همکاری در جهت ایجاد رابطه با اتحادیه اروپا، جهت‌گیری سیاسی را تغییر داد و شروع به جهت‌دهی اوکراین به سمت روسیه کرد. این، همراه با دستگیری جنجالی مخالف سیاسی یولیا تیموشنکو، جرقه اعتراضات گسترده‌ای را در مورد فساد دولتی برانگیخت. تظاهراتی در سراسر کشور با محوریت میدان در کیف برگزار می‌شود. حداقل ۱۳۰ نفر، عمدتاً غیرنظامیان، کشته می‌شوند. یانوکوویچ به روسیه می‌گریزد، رهبری جدید متعهد می‌شود اوکراین را به سمت اتحادیه اروپا سوق دهد.

• **روسیه کریمه را تصرف کرد (فوریه ۲۰۱۴ تا مارس ۲۰۱۴):**

اقدام روسیه خشم بین‌المللی ایجاد کرد روسیه پس از اعتراضات یورو میدان، کریمه، شبه‌جزیره اوکراینی با جمعیتی عمدتاً قومی روسی را تصرف کرد. سربازان روسی با پوشیدن یونیفرم‌های نظامی که نشان‌های روسی برداشته شده است، مکان‌های کلیدی



در شبه‌جزیره را اشغال می‌کنند. این الحاق خشم بین‌المللی را برانگیخته و توسط سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا محکوم شده است.

• **ریاست جمهوری ولودیمیر زلنسکی (آوریل ۲۰۱۹):**

ولودیمیر زلنسکی، کم‌دین سابق، پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهور فعلی طرفدار روسیه را در انتخابات ریاست جمهوری با قاطعیت شکست داد. حزب زلنسکی همچنین اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست می‌آورد - این اولین بار در تاریخ اوکراین است. وعده‌های انتخاباتی زلنسکی شامل پایان دادن به جنگ با روسیه و ریشه‌کن کردن فساد در دولت اوکراین است.

• **پوتین خواستار ضمانت‌های امنیتی شد (دسامبر ۲۰۲۱):**

در اوایل سال ۲۰۲۱، زلنسکی با الیگارشی‌های اوکراینی طرفدار روسیه، از جمله ویکتور مدودچوک، دوست نزدیک پوتین، سرکوب کرد. متعاقباً، پوتین تعداد فزاینده‌ای از نیروها را در نزدیکی مرز اوکراین مستقر می‌کند و مقاله‌ای منتشر می‌کند که در آن ادعا می‌کند روس‌ها و اوکراینی‌ها «یک نفر هستند». تا دسامبر، ده‌ها هزار نیروی روسی در مرزها مستقر می‌شوند و پوتین خواسته‌هایی را به ناتو و ایالات متحده ارائه می‌کند. از جمله این خواسته‌ها این است که اوکراین هرگز در ناتو پذیرفته نشود - درخواستی که توسط دولت بایدن رد شد.

• **روسیه مناطق جداشده اوکراین را به‌عنوان حاکمیت به رسمیت**

**می‌شناسد (۲۱ فوریه ۲۰۲۲):**

در سال ۲۰۱۴، مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین از اوکراین جدا شدند که دولت اوکراین آن‌ها را تروریست‌های مورد حمایت روسیه می‌داند. پس از فروپاشی روابط با ناتو و غرب در اواخر فوریه، پوتین این مناطق را به‌عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت و برای حفظ صلح نیرو فرستاد.

• **تحریم روسیه توسط غرب ۲۲ فوریه:**

ایالات متحده، بریتانیا و متحدان آنها اعضای پارلمان روسیه، بانک‌ها و سایر دارایی‌ها را در پاسخ به دستور سربازان پوتین تحریم کردند. آلمان پروژه خط لوله گاز نورد استریم ۲ را متوقف کرد.

• **حمایت خواهی جدایی‌طلبان ۲۳ فوریه ۲۰۲۲:**

رهبران جدایی‌طلب مورد حمایت روسیه از روسیه برای دفع تجاوز ارتش اوکراین کمک خواستند.

• **روسیه تهاجم تمام‌عیار به اوکراین را آغاز کرد (۲۴ فوریه ۲۰۲۲):**

چند روز پس از به رسمیت شناختن سرزمین‌های جدا شده، روسیه تهاجم تمام‌عیار به اوکراین را آغاز کرد. تهاجم به شرق اوکراین در دونباس آغاز شد. زلنسکی در اوکراین حکومت نظامی اعلام کرد و رسماً روابط دیپلماتیک با روسیه را قطع کرد. اقدامات پوتین در سراسر جهان و در داخل روسیه محکوم شد

• **۲۶ فوریه ۲۰۲۲:** متحدان غربی تحریم‌های جدیدی از جمله محدودیت‌های

بانک مرکزی روسیه و اخراج بانک‌های کلیدی از سیستم اصلی پرداخت جهانی را اعلام کردند (ابوالحسن شیرازی و جعفری فر، ۲۴:۱۴۰۱-۲۳).

با توجه به اینکه از لهستان به عنوان دروازه غرب و از اوکراین به عنوان کشوری که بخشی از اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد و از به عنوان دروازه شرق یاد می‌شود باید گفت مقام‌های روسیه همواره گسترش ناتو به شرق را به عنوان دروازه نفوذ غرب و یک بازی با حاصل جمع صفر می‌دانند و به عبارت دیگر تلاش اعضای جامعه اورو-آتلانتیک برای افزایش نفوذ و قدرت خود به بهای کاهش قدرت و کم‌رنگ شدن جایگاه و نقش آفرینی مسکو منجر می‌شود. در دوره بوش ناتو سیاست درهای باز را در پیش گرفت. وقوع انقلاب‌های رنگی در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ در اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی شرایطی را فراهم کرد که مقام‌های ناتو در پی به عضویت درآوردن اوکراین و گرجستان در این سازمان برآیند. ولادیمیر پوتین در همین ارتباط به این

موضوع اشاره می‌کند که گسترش ناتو تهدیدی واقعی برای امنیت روسیه است زیرا دولت خواستار عضویت در ناتو در حوزه نفوذ مسکو قرار دارند. وی در اوایل سال ۲۰۱۱ نیز اعلام کرد که گسترش زیرساخت‌های ناتو به سوی مرزهای روسیه بسیار نگران‌کننده است (عسگر خانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

از سوی دیگر مسکو می‌دانست که سوریه آخرین منطقه تحت نفوذ این کشور در آب‌های گرم است و روسیه منافع اقتصادی زیادی در سوریه دارد. به عبارت دیگر، ویتنامی کردن جنگ سوریه (حضور متحدان در خط مقدم جبهه جنگ علیه بشار اسد و حضور آمریکا در پشت‌صحنه) این فرصت‌طلبی را نصیب روسیه کرده که در فرای مرزهای خود در منطقه‌ای استراتژیک برای آمریکا در شرایطی که این کشور فعالیت‌های مستقیم نظامی را به متحدان منطقه‌ای محول کرده به اعمال اقدامات نظامی بپردازد (دهشیار، ۱۳۹۴: ۵۲). البته برخی معتقدند اهداف روسیه بازی احیای قدرت روسیه و نقش آن به‌عنوان یک امپراتور جهانی است و برخی دیگر آن را متوازن‌کننده قدرت جهانی می‌دانند که به دنبال حفظ منافع خود در خاورمیانه است زمانی که پوتین تصمیم گرفت ۱۵۰۰ سرباز و پرسنل مجهز شده به هواپیماها و تانک‌های پیشرفته را به آسمان سوریه اعزام نماید این مأموریت در حقیقت برای تأسیس یک پایگاه نظامی در فرودگاه بین‌المللی الاسد در الذقیه بود. این اقدام فقط چند روز پس از وقوع بحران پناهندگان سوری به اروپا بود که با واکنش سخت اتحادیه اروپا و آمریکا که خواهان برکناری اسد بودند؛ و تنها راه برون‌رفت از این مخمصه با برکناری اسد می‌دانستند روبرو شد. از نظر روسیه این واکنش آمریکا در حقیقت مانوری برای حضور نظامی این کشور در سوریه بود که فقط درصد برکناری اسد از راه نظامی بود و البته تکرار سناریوی لیبی که در چهار سال پیش‌ازین اتفاق افتاده بود. از این‌رو مداخله نظامی روسیه در سوریه به‌منظور اطمینان یافتن از این بود که بار دیگر این اتفاق تکرار سناریوی لیبی صورت نگیرد (حیدری، ۱۳۹۸: ۸۹).

باید گفت روسیه بازیگر چشم‌انداز نگری است که ریسک بزرگ‌تری انجام می‌دهد تا از شکست جلوگیری نماید و ریسک کوچک‌تری انجام می‌دهد تا فرصت‌های جدیدی را تضمین نماید. این کشور در پی حداکثر رساندن امنیت خود دفاع در برابر چالش‌های خارجی و حداکثر رساندن قدرت در سطح منطقه ای و کسب جایگاه قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل است به. طور کلی و بر اساس اسناد راهبردی منتشره از سوی فدراسیون روسیه چهار باور در نگاه روسی به ترتیبات امنیتی بین‌المللی را می‌توان برشمرد:

۱. جهان در حال گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندقطبی است و بن‌مایه آن ایجاد نظام چندمرکزی و چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل است؛

۲. اگرچه چندقطبی‌گرایی، وضعیت غیرقابل وقوع پایانی از سیستم جهانی نیست، برخی از نیروها (غرب) هدفشان حفظ ساختار جهانی تک‌قطبی که منافع، ارزش‌ها و نهادهای غربی بر آن مسلط باشند و فرآیندی منفی برای روسیه و منبعی برای بی‌ثباتی بین‌المللی به شمار می‌آید است؛

۳. نقشی که روسیه برای خود متصور است در جهان مدرن، تبدیل شدن به قطب مستقل و قوی قدرت است با این آرزو که تبدیل به مرکزی تأثیرگذار در جهان امروز شود

۴. روسیه طرفدار منطقه‌گرایی در حال گسترش در جهان است. به دلیل شکل‌گیری چندقطبی‌گرایی، جهان شاهد رشد منطقه‌گرایی با تنوع فرهنگی و تمدنی و وجود الگوهای توسعه‌ای چندگانه روشن‌تر از همیشه است (زکی زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸).

در تاریخ ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۶ سند جدید تدبیر سیاست خارجی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه امضاء نموده بود، در ارتباط با غرب و ناتو در بند ۶۱

این سند آمده است، مشکلات سیستمیک و نظام‌مندی که طی ربع قرن اخیر در منطقه اروپا-آتلانتیک روی هم انباشته شده‌اند، بیانگر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه آن است که توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک اروپا و عدم تمایل برای پیاده‌سازی بیانیه‌های سیاسی درباره تشکیل سیستم امنیت و همکاری اروپا به بحران جدی در روابط میان روسیه و دولت‌های غربی انجامیده است. خط‌مشی‌هایی که آمریکا و متحدان آن برای بازدارندگی در برابر روسیه دنبال می‌کنند و اعمال فشار سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و سایر فشارها بر، آن ثبات منطقه‌ای و جهانی را برهم می‌زنند به و منافع بلندمدت همه طرف‌ها آسیب می‌زند با و نیازهای فزاینده به همکاری و مقابله با تهدیدها و چالش‌های فراملی در شرایط کنونی مغایرت دارد (زکی زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶).

## بحران اوکراین

مرور تحولات در اوکراین نشان‌دهنده وضعیت شکننده و بی‌ثبات صحنه داخلی سیاسی اوکراین است. نزاع بین جریان‌های روس‌گرا و غرب‌گرا در اوکراین به تدریج رو به فزونی نهاده است. به‌ویژه از سال ۲۰۱۳ این روند تمامیت ارضی اوکراین را با مشکل مواجه کرد. در سال ۲۰۱۳ تقاضای غرب‌گرایان برای پیوستن به اتحادیه اروپا مطرح شد که با مخالفت روس‌گرایان روبه‌رو شد. به همین دلیل تظاهراتی در میدان استقلال کیف در ۲۱ نوامبر در اعتراض به تصمیم ویکتور یانوکویچ مبنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا شروع شد. تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات بیشتر شد تا اینکه در فوریه ۲۰۱۴ دولت اوکراین سقوط کرد. دانشجویان، هنرمندان، روشنفکران و بعضی از فعالان و نهادهای جامعه مدنی اوکراین در تظاهرات شرکت می‌کردند. اعتراضاتی که با دخالت آشکار اتحادیه اروپا و آمریکا به سوی اعمال فشار سنگین برای برکنار دولت یانوکویچ سوق یافت. راهپیمایی‌هایی که در فاصله ۱۸ تا ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ به خشونت کشیده شد و با وجود

توافقی که بین دولت و اپوزسیون غرب گرا حاصل شده بود، با ترک کیف توسط ویکتور یانوکویچ<sup>۱</sup> در ۲۲ فوریه، به سقوط دولت اوکراین منتهی شد. جالب توجه اینکه فردای سقوط یانوکویچ، یعنی ۲۳ فوریه ۲۰۱۴ که مصادف با برگزاری آیین اختتامیه المپیک سوچی بود، مسکو که از ابتدای بروز بحران با وجود مشاهده مداخله‌گری‌های آشکار غربی‌ها از ورود صریح به آن دوری می‌جست، به شکلی آشکار وارد گود اوکراین شد. نخستین جرقه‌های اعتراضات جدی در مناطق روس نشین در شرق و جنوب اوکراین از همان ۲۲ فوریه و با راهپیمایی روس‌گرایانی که پوتین را رئیس‌جمهور خویش می‌خواندند زده شد. در ۲۷ فوریه شبه‌نظامیان طرفدار روسیه کنترل شبه‌جزیره کریمه را به دست گرفتند که با برگزاری همه‌پرسی ۱۷ مارس به الحاق کریمه به روسیه منتهی شد (مطلبی و زینلی بادی، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

سی سال پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۲۰۲۱ و ۲۲ سال از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین، مسکو می‌کوشد دوباره خود را به‌عنوان نیروی سیاسی مسلط و تأمین‌کننده امنیت در منطقه معرفی کند. تنها اوکراین و سه کشور بالتیک که در سال ۲۰۰۴ به عضویت ناتو و اتحادیه اروپا دست یافتند، توانسته‌اند فراتر از کنترل مسکو بمانند. ایالات متحده هرگز کشورهای بالتیک را به‌عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی پس از الحاق مجدد اجباری آن‌ها در طول جنگ جهانی دوم به رسمیت نشناخت از همین رو برای روسیه، تغییرات غیرقابل قبول بوده است. اوکراین برای قرن‌ها جزء جدایی‌ناپذیر دولت مسکو محور بود و به‌عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه دفاعی، امنیتی و اقتصادی این کشور عمل کرد. آرزوی اوکراین پس از شوروی برای ادغام نزدیک‌تر با غرب و تلاش برای عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا برای اکثر روس‌ها غیرقابل تصور است، زیرا به قلب ماهیت دولت روسیه ضربه می‌زند - میراث، فرهنگ آن و مهم‌تر از همه، امنیت آن است. اوکراین همیشه حائلی بین مرکز روسیه و غرب بوده است، اما اکنون این حائل

<sup>1</sup> Viktor Yanukovich

به شدت ضعیف شده است. این وضعیت بسیار دردناکی است که کرملین نمی‌تواند آن را تحمل کند. هدف نهایی کرملین این است که اطمینان حاصل کند که اوکراین در حوزه نفوذ روسیه باقی می‌ماند و از طریق حداقل تهدید نکردن یا آسیب رساندن به امنیت روسیه، در خدمت منافع روسیه است. در غیر این صورت، کرملین به دنبال تضعیف اوکراین تا حد ممکن است، از جمله با تجزیه کشور. تصرف اولیه کریمه توسط روسیه و مداخله آن در شرق اوکراین در حمایت از دولت‌های جدایی طلب جمهوری خلق دونتسک و لوهانسک (Berls, 2021:6).

می‌توان گفت اوکراین از جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ممتاز و انحصاری در اروپای شرقی برخوردار است؛ تا آنجا که با عدم نفوذ اتحادیه اروپا در این کشور، این کشور نه تنها می‌تواند سدی بزرگ در برابر برنامه‌های درازمدت اتحادیه درزمینه‌ی گسترش به سمت شرق باشد، بلکه این مسئله ممکن است نقش و نفوذ روسیه را در مسائل اروپای شرقی پررنگ‌تر کند. با توجه به آنکه روس‌ها عضویت اوکراین در ناتو را خط قرمز خود تلقی می‌کنند بنابراین هرگونه نزدیکی اوکراین به ناتو و مجموعه ساختارهای یورو آتلانتیکی قاعداً با برخورد خوب روس‌ها روبه‌رو نخواهد شد. به‌علاوه اینکه شروع تحولات اخیر اوکراین که منجر به تغییر دولت، تجزیه کشور و جنگ در شرق این کشور منجر شده است، موجب شده تا حرکت بخشی از جامعه و نظام سیاسی اوکراین به سمت غرب شروع شود. دولت حاکم طی مدتی که بر سرکار بوده، نشان داده است که در تأمین امنیت این کشور ناکارآمد است و به همین دلیل امنیت خودش را در درازمدت به‌ویژه در مواجهه با روسیه به این شکل تعریف می‌کند که به سمت ساختارهای یورو آتلانتیکی به‌ویژه ساختار امنیتی آن یعنی ناتو حرکت کند؛ بنابراین در شرایطی که دولت فعلی اوکراین یک دولت غرب‌گرا محسوب می‌شود و خواهان نزدیکی هرچه بیشتر با ناتو و سازوکارهای غربی است، قاعداً روسیه با این امر مخالفت خواهد کرد و ورود و حضور اوکراین در ناتو را خط قرمز خود خواهد دانست (پناهی، ۱۳۹۶: ۵۴)؛ اما غرب با

دریافت این واقعیت که ورود مستقیم خود به صحنه نبرد اوکراین می‌تواند موجب خسارات عمده مادی و حیثیتی برای خود فراهم سازد لذا برای کاستن از هزینه‌ها تقابل‌های خود به دنبال استفاده از بازیگر حائل در جنگ اوکراین بود تا تنها به ایفای نقش حامی از آن پردازد بدین ترتیب ناتو برای حرکت به سمت دخالت مستقیم در درگیری در اوکراین مردد بوده است. این مسئله حتی در مورد ائتلاف پیشنهاد ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز اوکراین که رد شد مصداق پیدا کرد. این یک موضع بی‌احتیاطی نیست، زیرا هرگونه دخالت مستقیم نظامی در خود اوکراین خطر سرریز درگیری متعارف و شاید مهم‌تر از آن، تشدید بالقوه به سمت درگیری هسته‌ای را به همراه خواهد داشت. تصمیم روسیه برای قرار دادن نیروهای هسته‌ای خود در حالت آماده‌باش بالاتر، سیگنال روشنی برای غرب بود و نشان می‌دهد که روسیه آماده است تا در صورت دخالت مستقیم آمریکا یا متحدانش در ناتو، تشدید شود (Tack, 2022).

### پیامدهای جنگ اوکراین بر سوریه

در ادامه به پیامدهای جنگ اوکراین بر سوریه پرداخته خواهد شد:

#### تقویت بی‌اعتمادی به آمریکا

ویژگی‌های ژئوپلیتیک اوکراین از یک سو و اهداف متضاد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با سیاست‌های روسیه موجب می‌شود تا سیاست‌های روسیه در رابطه با اوکراین با مشکلات و موانع گوناگونی روبرو گردد و از مهم‌ترین موانع سیاست‌های غرب (آمریکا و اروپا) در قبال اوکراین است. آنچه بیش از هر چیزی روسیه را نگران می‌کند و بر اهمیت اوکراین برای روسیه می‌افزاید به آسیب‌پذیری امنیتی روسیه از اوکراین بازمی‌گردد. این کشور مهم‌ترین کشور حوزه خارج نزدیک محسوب می‌شود و اولویت اول اصلی سیاست خارجی روسیه در همه ابعاد است که روسیه در آنجا برای خود منافع بسیار حیاتی قائل است (صدیق، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۷). تضمین امنیت اوکراین در سال ۱۹۹۴ توسط آمریکا به‌عنوان شاهدهی بر غیرقابل‌اعتماد بودن آمریکا و غرب برجسته است. غرب پیش‌تر نیز هنگامی که



روسیه برای الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ اقدام کرد. نتوانست علیه روسیه بهای عمده‌ای تحمیل کند. شکست سیاست‌های غرب بود که جامعه جهانی نه‌چندان به او کراین اهمیت نداد بلکه حتی کاری برای مخالفت با تلاش‌های روسیه برای پس گرفتن قلمرو از کشورهای غیر ناتو در حاشیه مسکو انجام نداد (FARIS, 2022).

در حالی که اتحادیه اروپا، ایالات متحده و متحدان به‌طور فزاینده تحریم‌هایی را علیه روسیه به دلیل استفاده از زور در اوکراین اعمال می‌کنند، آن‌طور که انتظار می‌رفت پیروان زیادی برای پیوستن به اقدامات تحریمی جذب نشده‌اند این را نشان می‌دهد. باید گفت همبستگی بارآی قاطع به قطعنامه سازمان ملل متحد نشان داد که استفاده از زور روسیه را محکوم کرد و خواستار آتش‌بس بی‌قید و شرط شد؛ اما دولت‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که به این قطعنامه رأی مثبت داده‌اند، در انجام هرگونه اقدام دیگری جز ابراز همدردی تردید دارند. ملاحظات عمل‌گرایانه، به‌ویژه ترس از دست دادن منافع مادی با کاهش ارتباطات با روسیه (مانند تجارت، مالی، امنیت انرژی، تأمین تسلیحات و مواد غذایی) و نگرانی از پیامدهای سیاسی جانب‌داری از غرب، دلایل اصلی عدم تسلیم دولت‌ها در برابر فشارهای مکرر غرب برای پیوستن به تحریم‌های کشوری است که یک‌هنگام آمرانه طبق قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته است. کشورهای در حال توسعه به‌ویژه تمایلی به پاسخگویی به درخواست غرب برای تحریم روسیه ندارند (Zhang, 2022).

### کاهش تمرکز روسیه بر سوریه

هم‌جواری جغرافیایی و فرهنگی میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز با خاورمیانه سبب شده تا حفظ امنیت و ثبات در این منطقه با حساسیت بیشتری از طرف روسیه پیگیری شود. تهدید بسط بی‌ثباتی سیاسی و به‌تبع آن افزایش اسلام‌گرایی افراطی، از جمله عواملی است که نگرانی روسیه را نسبت به گسترش بحران در سوریه بیش‌ازپیش افزایش می‌دهد. لذا یکی از دلایلی که روسیه در بحران سوریه نقش ایفا می‌کند، بسط و نفوذ

بی‌ثباتی سیاسی در منطقه و ترس از شورش در آسیای مرکزی است. برای روسیه این یک فرصت است که این گروه‌های افراطی را در خاک سوریه تضعیف کند و آن‌ها را از مرزهای روسیه دور کند تا اینکه در نزدیکی‌های خاک خود با آن‌ها درگیر شود. بنابراین پوتین خواستار آن است تا در سوریه آن‌ها را مورد حمله قرار دهد تا منتظر آن‌ها در افغانستان باشد (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۵۶). به علاوه روسیه هیچ‌گاه به نتیجه‌ی انقلاب‌های عربی خوش‌بین نبوده و از تسلط جریان‌های اسلامی بر دولت‌های منطقه بیم داشته است. بدین ترتیب روس‌ها خود را در صحنه تحولات سوریه به دلایل کلی زیر وارد کردند و سوریه به میدان تقابل با غرب تبدیل شود این دلایل عبارت‌اند از:

۱- روسیه تحولات در کشورهای عربی را در راستای منافع آمریکا و گسترش دایره نفوذ آن در خاورمیانه می‌دید.

۲- روسیه از دست‌رفته دادن سوریه را به‌عنوان از دست دادن آخرین حلقه از متحدان اصلی‌اش در خاورمیانه می‌دید

۳- روسیه مخالف نظام تک‌قطبی بود که آمریکا درصدد برقرار ساختن آن در نظام بین‌الملل بود

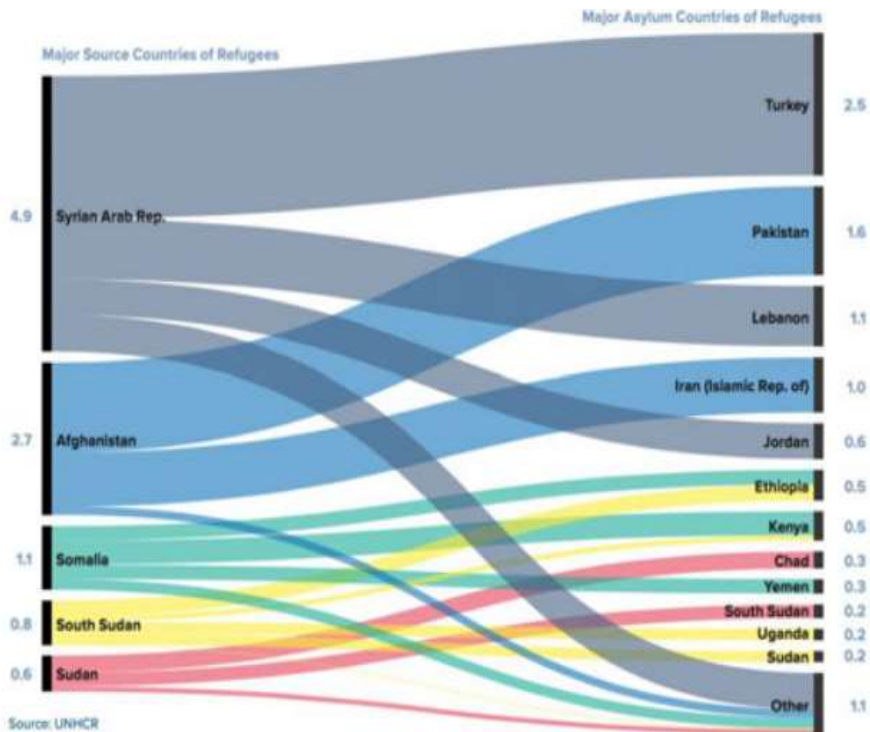
۴- نگرانی روسیه از اسلام سلفی و نفوذ آن به مناطق مسلمان‌نشین روسیه مثل چچن و داغستان. به علاوه باید گفت اقدام روسیه در راستای تحقق دکترین امنیت ملی است. مصون‌سازی محیط پیرامونی از تهدیدات خارجی از اصول سند دکترین امنیتی روسیه تا سال ۲۰۲۰ است روسیه تلاش می‌کند سوریه را به‌عنوان بازیگری برون‌گرا که به ایفای نقش منطقه‌ای خود در راستای منافع مسکو مبادرت می‌ورزد حفظ نماید. سقوط نظام سوریه به معنای ورود ناتو به حیات خلوت منافع روسیه و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه در نهایت ناکامی در تحقق مبانی دکترین امنیت ملی روسیه است (درآینده و احمدی، ۱۳۹۷: ۷۹).

بازیگری فعال روسیه در خاورمیانه در این راستا قابل ارزیابی است که روسیه تلاش می‌کند به آمریکا تفهیم کند که می‌تواند منافع اروپا و ایالات متحده آمریکا را به چالش بکشد و به آن‌ها آسیب وارد کند و جایگاه خود را به‌عنوان قدرتی جهانی تثبیت نماید. به این ترتیب روسیه با ارائه تعریف جهانی از بحران‌های منطقه‌ای و ارتباط برقرار کردن میان بحران اوکراین و خاورمیانه، رویکرد راهبردی خود را در راستای تضعیف منافع جهانی آمریکا و کشاندن رویارویی به مکانی دور از قلمرو خود استوار کرده است؛ برای این اساس روس‌ها با اتخاذ سیاستی فعال و درعین حال آسیب رساننده به منافع آمریکا به‌ویژه در خاورمیانه، سعی می‌کنند غرب را تلویحاً تهدید و از دخالت در اوکراین بازدارند (سبط احمدی، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

### مسئله پناهجویان

مهم‌ترین عامل ورود پناهجویان به بحران مهاجرت در سال ۲۰۱۵ منجر شد مربوط به جنگ داخلی سوریه است. این موضوع باعث شده است از سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۵ میلیون تن این کشور را ترک کنند و در کشورهای همسایه همچون ترکیه، لبنان، اردن و عراق وارد شوند و در این بین بالغ بر یک میلیون نفر پناهجوی سوری هم به اتحادیه اروپا وارد شدند. از نظر آماری سوری ۲۵ درصد کل پناهجویانی را تشکیل می‌دهند که اخیراً به اروپا وارد شدند و همین تعداد نیز به کشورهای آفریقایی تعلق داشته و ۲۵ درصد دیگر نیز به برخی دیگر کشورهای خاورمیانه مانند افغانستان و عراق مربوط می‌شود. در این میان باید توجه داشت اگرچه بسیاری از پناهجویان را افرادی تشکیل می‌دهند که از مناطق جنگی فرار کرده‌اند اما در این بین برخی نیز برای مسائل اقتصادی همچون آینده شغلی بهتر به‌عنوان پناه شوند. همچنین کشور سوریه مبدأ اصلی پناهجویانی است که به کشور یونان وارد می‌شوند و در مقام بعدی به ترتیب عراقی، افغان‌ها، فلسطینی‌ها، کنگویی‌ها و ایرانیان قرار دارند. در ایتالیا و اسپانیا اما بیشتر ملیت به آفریقایی‌ها تعلق دارد، در ایتالیا پناهجویان را به

ترتیب تونس، اریتره‌ای، نیجریه، ساحل عاج و سودان تشکیل می‌دهند، در اسپانیا نیز به ترتیب پناهجویانی از سوریه، گینه، مالی، مراکش، ساحل عاج و برخی کشورهای زیر صحرا قرار دارند. به‌طور کلی در بین مجموع کشورهای اتحادیه اروپا بیشترین پناهجویان متعلق به سوریه، عراق، افغانستان، نیجریه و پاکستان است بر اساس آمار در کل در بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۴ بیش از ۹۱۹ هزار نفر سوری در اروپا درخواست پناهندگی پر کردند (وزینی، ۸۷: ۱۳۹۸-۸۶).



منبع: (وزینی، ۸۷: ۱۳۹۸-۸۶)

هنگامی که بیش از یک میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ وارد اروپا شدند، در ابتدا حمایت از پناهندگانی که از جنگ در سوریه، عراق و افغانستان فرار می‌کردند نسبتاً زیاد بود. داوطلبان در سواحل یونان جمع شدند تا خانواده‌های خسته‌ای را که با قایق از ترکیه عبور

می‌کردند، نجات دهند. در آلمان در ایستگاه‌های قطار و اتوبوس از آن‌ها استقبال شد؛ اما استقبال گرم پس از آن که کشورهای اتحادیه اروپا بر سر نحوه تقسیم مسئولیت به توافق نرسیدند، با مخالفت اصلی کشورهای اروپای مرکزی مانند مجارستان و لهستان، به زودی پایان یافت. دولت‌های سراسر اروپا یکی‌یکی سیاست‌های مهاجرت و پناهندگی را سخت‌تر کردند و لقب «دژ اروپا» را به خود اختصاص دادند (CBC, 2021). با این حال سیاست‌های تبعیض‌آمیز اتحادیه اروپا انتقاد سازمان‌هایی مانند سازمان ملل و عفو بین‌الملل را برانگیخته است. کمیسریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) در گزارشی که در ۶ سپتامبر منتشر شد، اعلام کرد که ۷,۱ میلیون اوکراینی درخواست پناهندگی به اعضای اتحادیه اروپا، به‌ویژه در آلمان، لهستان، مجارستان و رومانی داده‌اند. کشوری که بیشترین تعداد اوکراینی‌ها را پذیرفت، لهستان با ۲,۵ میلیون نفر، مجارستان با ۱,۳ میلیون و آلمان با تقریباً یک میلیون نفر در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بر اساس این گزارش، بیش از ۴ میلیون اوکراینی در برنامه‌های حفاظتی موقت قرار گرفتند. در مقابل، در طول یک دهه جنگ داخلی سوریه، اتحادیه اروپا تنها از ۱,۱ میلیون سوری استقبال کرده است. بر اساس اطلاعات سازمان ملل متحد، ۵۶۰,۰۰۰ پناهجوی سوری توسط آلمان، ۵۶۰,۰۰۰ نفر توسط سوئد، اتریش، هلند و فرانسه و ۱۲۰,۰۰۰ پناهجو توسط یونان پذیرفته شده‌اند. از زمان شروع جنگ داخلی سوریه، مشخص نیست که کشورهایمانند لهستان، مجارستان، رومانی و مولداوی چه تعداد پناهنده را پذیرفته‌اند (Taha-Ersen, 2022). به‌علاوه برآوردهای بانک بین‌المللی حاکی از آن است که هزینه جنگ سوریه به ۳۵ میلیارد دلار شامل ضررهای اقتصادی است که به سوریه و پنج کشور مجاور یعنی عراق، مصر، لبنان، اردن و ترکیه وارد آمده و دارای سطوح مختلفی است (کیا همتی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). جنگ اوکراین می‌تواند دیدگاه‌های مشترک درباره کمک به مردم سوریه را به خاطر مردم اوکراین دچار کندی کند.

## تقویت محور مقاومت

افزایش تنش بین روسیه و اوکراین موجب خواهد شد که محور مقاومت تقویت شود چراکه اولاً این بحران منجر به این شد که مسکو، یک تأمین‌کننده سنتی تسلیحات، به دریافت‌کننده پهپادهای ایرانی تبدیل شود که نشانه‌ای از آسیب‌پذیری و تخصص فنی روسیه است (Kumaraswamy, 2022) از سوی دیگر با توجه به عدم حمایت غرب از اوکراین و شکست سناریو سوریه موجب شد تا هرگونه رویکرد تهاجمی علیه محور مقاومت با حمایت کمتری روبرو شود زیرا امیدی به پشتیبانی غرب و وارد شدن به جنگ برای حمایت از متحدان منطقه‌ای وجود ندارد.

## جمع بندی

روسیه با درک اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک اوکراین، هرگونه حرکت غرب گرایانه آن را در چارچوب تقابل کلی با غرب ارزیابی نموده و آن را اقدامی علیه منافع و امنیت روسیه تعبیر می نماید. تمرکز روسیه بر برخورد جدی نسبت به اوکراین و اعلان هشدار به نسبت به نادیده گرفتن منافع روسیه در منطقه باعث می شود باید گفت در سطح نظام بین الملل هر زمان قدرت بزرگی در فضای پیرامونی خود احساس تهدید کند به مقابله با آن برمی خیزد و از آنجا که کشورهای غربی بعد از فروپاشی شوروی و ضعف روسیه از فرصت استفاده کرده و روزه روز بیشتر به سمت مرزهای روسیه نزدیک شدند این امر موجب به خطر انداختن منافع مسکو و بروز تهدیدات امنیتی می شود. با این حال باید در نظر گرفت که روسیه یک بازیگر فعال در سوریه نیز است که به سبب آنکه غرب در اجرای کردن سیاست و دستیابی به موفقیت ساقط کردن بشار اسد ناتوان برآمد احساس تهدید در روسیه نسبت به از دست رفتن سوریه همراه با نگرانی جدی نبود. توجه روسیه به سوریه موجب می شود که نقش حامی دیگر سوریه یعنی ایران برجسته تر دیده شود بنابراین یکی از پیامدهای بحران اوکراین بر سوریه تقویت نقش ایران به سبب تمرکز روسیه بر جنگ اوکراین خواهد بود. نکته دیگر بی اعتمادی به آمریکا به عنوان تضمین کننده امنیت اوکراین است که بعد از ناتوانی در ساقط کردن بشار اسد برجسته شد.

## منابع

- بوزان، باری، الی. ویور (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حافظ نیا، محمدرضا؛ متقی، منوچهر؛ ابوالحسنی، خسرو؛ روشنی، رضا (۱۳۹۸)، دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک و مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین، فصلنامه پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال نهم، سال ۳۴، صص ۹۱-۱۱۶.
- حیدری، مهدیه (۱۳۹۸)، الگوی مدیریت بحران جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در بحران سوریه (۲۰۱۸-۲۰۱۱)، رساله دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی
- دهشیار، حسین؛ امین‌آبادی، سید محمد (۱۴۰۱)، نقش ژئوپلیتیک در تشدید بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی: بحران سوریه)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره اول، صص ۲۱۵-۱۸۷.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۴)، بحران سوریه: ابهام استراتژیک امریکا و فرصت‌طلبی روس‌ها، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هفدهم
- زکی زاده، میثم؛ برزگر، کیهان؛ ذاکریان امیری، مهدی (۱۳۹۹)، جایگاه هویت در شکل‌گیری نگاه امنیتی فدراسیون روسیه در قبال غرب، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۱۱، پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۴-۵۶
- سیط احمدی، سید جواد (۱۳۹۷)، واکنش آمریکا و اروپا نسبت به سیاست‌های روسیه در شرق اروپا، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۶۱-۱۴۷
- صدیق، میر ابراهیم؛ شرقی، آرش (۱۳۹۵)، اتحادیه اروپا و قدرت‌های بزرگ، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سیزدهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۳۹-۱۲۱



عسگر خانی، ابو محمد؛ ثمودی پيله رود، علیرضا؛ نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۲)، حوزه‌های همکاری و اختلاف روسیه با ناتو پس از جنگ سرد، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۱۳۴-۱۱۵

کیا همتی، امید (۱۳۹۵)، بررسی دلایل مهاجرت مهاجران سوری و عراقی به اروپا، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

کیائی آسرائی، میلاد (۱۳۹۸)، جایگاه جمهوری اسلامی ایران در استراتژی امنیت ملی عربستان سعودی، پایان‌نامه ارشد دانشگاه شهید بهشتی

گل کرمی، عابد؛ متقی، افشین (۱۴۰۱)، تبیین طیفی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس: تقابل سیاست خارجی وضعیت محور و ژئوپلیتیک موقعیت محور، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۱۴-۹۵

لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۴)، تبیین نظری بنیادهای ژئوپلیتیک دانش روابط بین‌الملل پس از جنگ سرد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال پانزدهم، شماره ۳۸، پاییز ۹۴، صص ۶۹-۴۹

مطلبی، مسعود؛ زینلی بادی، حسین (۱۳۹۸)، تأثیر بحران اوکراین بر روابط روسیه و اروپا، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۷۶-۱۵۱

نادری، احمد (۱۳۹۳)، اوکراین در کشاکش دو اتوپیا: بررسی بحران اوکراین از منظر اجتماعی، خبرگزاری فارس، ۲۱ تیر.

وزینی، مسعود (۱۳۹۸)، بحران سوریه و تأثیر آن بر سیاست‌های مهاجرتی کشورهای عضو اتحادیه اروپا (۲۰۱۸-۲۰۱۵)، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

Berls, R. (2021:6).

<https://www.nti.org/analysis/articles/strengthening-russias-influence-in-international-affairs-part-ii-russia-and-its-neighbors-a-sphere-of-influence-or-a-declining-relationship/>: Strengthening Russia's Influence in International Affairs, Part II: Russia and Its Neighbors: A Sphere of Influence or a Declining Relationship?

FARIS, D. (2022, MAR 03). Why the Ukraine crisis is being treated differently than Yemen or Syria:

<https://theweek.com/world/1010723/sovereignty-is-still-king>

Tack, S. (2022, MAR 10). Russian Success or Failure in Ukraine Will Define Global Security for Decades:

<https://newlinesinstitute.org/russia/russian-success-or-failure-in-ukraine-will-define-global-security-for-decades/>

Kumaraswamy. (2022, AUG 09). Biden's iteration and USA's weakness in Middle East:

<https://www.newindianexpress.com/opinions/2022/aug/09/bidens-iteration-and-usas-weakness-in-middle-east-2485565.html>